



جایگاه فلسطین در برنامه‌های دو نامزد ریاست جمهوری آمریکا

اظهارات و سخنرانی‌های دو نامزد ریاست جمهوری آمریکا - به ویژه در جمع گروه‌های فشار یهودی - از موضع کاملاً جانبدارانه آنها از رژیم صهیونیستی حکایت دارد با این حال چارچوب فکری هر کدام از آنها متفاوت از دیگری است.

به گزارش آرآن نیوز: بی تردید، اقدامات رئیس جمهور آمریکا در چارچوب محدودیت های قانون اساسی، موازنه قدرت سیاسی و تحولات بین المللی انجام می پذیرد؛ ولی رویکردهای فردی روسای جمهور نیز می تواند در این امر تاثیر گذار باشد. از سوی دیگر، انتخابات ریاست جمهوری آمریکا نشان داده است که مواضع سیاسی نامزدها در جریان تبلیغات انتخاباتی ضرورتاً و لزوماً مشابه موضعی نیست که بعد از پیروزی پیش می گیرند.

اظهارات و سخنرانی های دو نامزد ریاست جمهوری آمریکا - به ویژه در جمع گروه های فشار یهودی - از موضع کاملاً جانبدارانه آنها از رژیم صهیونیستی حکایت دارد؛ ولی چارچوب فکری هر کدام از آنها متفاوت از دیگری است. به نظر می رسد که ترامپ تمایل بیشتری به یک رویکرد انزوا طلبانه نسبی دارد، موضعی که مخالف سنت های حزب جمهوری خواه به شمار می رود. این در حالی است که خانم کلینتون تمایل بیشتری برای دخالت در عرصه بین المللی از خود نشان می دهد.

در خصوص موضع ترامپ و کلینتون نسبت به مسئله فلسطین که البته تحت تاثیر برنامه های بین المللی آنها می باشد، باید گفت که هر دو نامزد، طرف فلسطینی را تا حدی تحت فشار قرار خواهند داد و گروه های مقاومت به ویژه جنبش های حماس و جهاد اسلامی در مرکز فشارهای آمریکا قرار می گیرند. این دو جنبش باید در تعامل با فضای خاورمیانه به شدت جانب احتیاط را رعایت کنند و در شرایط کنونی، باید از هر گونه اظهار نظر سیاسی و رسانه ای درباره امور داخلی کشورهای عربی اجتناب ورزند.

مقدمه

سه پرسش مهم وجود دارد که مسئله فلسطین را با انتخاب چهل و پنجمین رئیس جمهور آمریکا گره می زند:

- 1 - چه کسی در این انتخابات پیروز می شود: هیلاری کلینتون، نامزد دموکرت ها یا دونالد ترامپ، نامزد جمهوری خواهان؟
- 2 - موضع هر کدام از نامزدها در قبال مناقشه فلسطین و رژیم صهیونیستی چیست؟
- 3 - بازتاب نتایج انتخابات آمریکا بر آینده مسئله فلسطین به چه شکل خواهد بود؟
- 1 - چه کسی پیروز انتخابات خواهد بود؟

مجموعه ای از شواهد و قرائن وجود دارد که نشان از بالا بودن شانس موفقیت هیلاری کلینتون - در مقایسه با ترامپ - است؛ زیرا:

- 1 - اکثر نظرسنجی ها و گزارش های موسسات مالی همچون وال استریت نشان از برتری کلینتون در مقایسه با ترامپ دارد.
- 2 - مراکز تاثیرگذار و فعال یهودی بیشتر تمایل به نامزد دموکرات ها دارند.
- 3 - مقایسه هزینه صرف شده برای تبلیغات انتخاباتی نامزدها، نشان می دهد از سال 2000 تا کنون، کسی که بیشتر هزینه کرده، پیروز انتخابات بوده است. هزینه تبلیغات انتخاباتی کلینتون 187 میلیون دلار و هزینه تبلیغات انتخاباتی ترامپ تنها 49 میلیون دلار می باشد.
- 4 - جامعه آمریکا تمایل دارد تا بعد از انتخاب اولین رئیس جمهور سیاه پوست، این بار اولین رئیس جمهور زن را نیز تجربه کند.
- 5 - در ترازوی تجربه سیاسی، کفه ها به نفع کلینتون سنگینی می کند. او عضو کنگره آمریکا و وزیر خارجه این کشور بوده است و حال آنکه ترامپ فاقد هر گونه تجربه دیپلماتیک می باشد.
- 6 - در میان جمهوریخواهان، مخالفت هایی با انتخاب ترامپ به عنوان نامزد ریاست جمهوری آمریکا وجود دارد که این موضوع را می توان در نامه 121 کارشناس سیاست خارجی حزب جمهوریخواه در مخالفت با تعیین ترامپ به عنوان نامزد انتخاباتی این حزب مشاهده کرد.

7 - یک پژوهش آکادمیک که مبتنی بر یکی از مدل های تحقیقاتی آینده نگر می باشد و توسط یک استاد دانشگاه به نام آلن ابراموویچ از دانشگاه ایاموری آمریکا انجام گرفته است، نشان می دهد که برخی شواهد و قرائن اقتصادی خبر از پیروزی کلینتون می دهد. گفتنی است که از انتخابات سال 1992 تا به امروز، این مدل در پیش بینی نتایج انتخابات موفق بوده است.

2 - موضع دو نامزد ریاست جمهوری آمریکا در قبال مسئله فلسطین

در دوره رقابت های ریاست جمهوری در تمام جهان به ویژه در ایالات متحده باید احتیاط لازم را در بررسی اظهارات نامزدها در خصوص هر موضوع داخلی و خارجی به خرج داد؛ زیرا تبلیغات سیاسی برای جلب هوادار، متفاوت از موضع مشخص یک نامزد بعد از پیروزی در انتخابات، تصدی منصب ریاست جمهوری و مقابله با واقعیت ها است. این موضوع می طلبد که صبغه کلی رویکردهای سیاسی هر کدام از نامزدها در قبال مسائل خارجی را مد نظر قرار داد و در هنگام بررسی رویکرد آنها در قبال مسئله فلسطین، نباید آن را جدا از صبغه کلی دیدگاه های شان در قبال دیگر مسائل بین المللی دانست.

در مقایسه با کلینتون، ترامپ تجربه کمتری در امور بین المللی دارد؛ ولی صیغه کلی سیاست های خارجی او بیشتر متمایل به اتخاذ سیاست انزوا و عدم دخالت در امور دیگر کشورها است. او از کشورهای همپیمان ایالات متحده - خواه در ناتو و ژاپن و خواه در کشورهای خلیج فارس - می خواهد که در عرصه روابط بین الملل مسئولیت های مالی بیشتری را بپذیرند و هزینه بیشتری را در این عرصه بپردازند. او به شدت از سازمان ملل انتقاد دارد و معتقد است که ایالات متحده بار سنگین تامین هزینه های آن را بر عهده گرفته بدون آنها نتیجه ملموسی از این امر ببرد. او خواستار جلوگیری از ورود مسلمانان به ایالات متحده است و ملاحظات خاص خود را در مورد روابط عربستان با آمریکا دارد.

ترامپ به شدت با توافق هسته ای به امضا رسیده میان ایران و آمریکا مخالفت و تاکید می کند که تمام توان خود را برای مانع تراشی در مسیر اجرای توافق هسته ای به کار خواهد بست به ویژه آن بخش از توافق که مربوط به تعهدات مالی آمریکا در قبال ایران است. وی دولت آمریکا را متهم می کند که در دام ایران افتاده است. ترامپ در سخنرانی مارس 2016 خود در جمع اعضای لابی یهودی در آمریکا (ایپک) گفت که توافق نامه فاجعه بار به امضا رسیده میان ایران و آمریکا را نابود خواهد کرد. این نامزد جمهوری خواه ایران را متهم به تامین هزینه حماس، جهاد اسلامی و حزب الله کرد و ابراز داشت که در راستای نابودی شبکه تروریستی ایران خواهد کوشید.

بر خلاف ترامپ، کلینتون در عرصه سیاست های خارجی، بیشتر به اتخاذ سیاست های مداخله جویانه تمایل دارد. وی با وجود ابراز تاسف نسبت به حمایتی که از اشغال عراق (در هنگام عضویت در مجلس سنا) کرده است، موافق افزایش حملات آمریکا به سوریه و عراق - جهت مقابله با داعش - می باشد. او خواستار ایجاد منطقه پرواز ممنوع بر فراز سوریه است و مستمرا می گوید که ایالات متحده با وجود هزینه های اقتصادی و انسانی، باید به ایفای نقش خود در سطح بین المللی بپردازد.

دیدگاه های دو نامزد ریاست جمهوری آمریکا در مسئله فلسطین نشان می دهد که فاصله زیادی میان دو نفر وجود ندارد. ترامپ در انتخابات مقدماتی حزب جمهوریخواه برای تعیین نامزد حزب اظهار داشت که موضعی بی طرفانه را در قبال مناقشه فلسطین و رژیم صهیونیستی اتخاذ خواهد کرد که این امر باعث برخی نگرانی ها برای صهیونیست ها گردید. این موضعگیری ترامپ اما در جلسه کلینتون با ایپک مورد مخالفت قرار گرفت. او ابراز داشت: «نمی توانیم بی طرف باشیم. ما خود را در موضوع اسرائیل حاضر می بینیم.»

روزنامه آمریکایی لوس آنجلس تایمز در سرمقاله خود و برای تاویل و تفسیر موضع بی طرفانه ترامپ چنین نوشت: «هدف او از به کارگیری کلمه بیطرفی، ترغیب فلسطینیان برای ورود دوباره به عرصه مذاکره با اسرائیل است.»

روابط رژیم صهیونیستی با هیلاری کلینتون به ویژه در بین سال های 2009 تا 2013 که او منصب وزارت خارجه آمریکا را بر عهده داشت، شاهد برخی اختلافات بود به ویژه آنجا که مربوط به موضع انتقاد آمیز آمریکا نسبت به تداوم روند شهرک سازی در کرانه باختری می شد.

هر دو نامزد ریاست جمهوری آمریکا خواهان آن هستند که مذاکرات میان طرف فلسطینی و صهیونیستی اساس و بنیان تعیین شکل سازش باشد. در واقع آن دو نمی خواهند که سازمان ملل یا جامعه بین الملل هیچ نقشی را در این موضوع بازی کند یعنی اینکه حل و فصل موضوعاتی همچون قدس، پناهندگان و ترسیم مرزها میان دو طرف از طریق مذاکره میان تشکیلات خودگردان و رژیم صهیونیستی انجام پذیرد و تابع موازنه قدرت میان دو طرف باشد. این به معنای تامین فضای مناسب برای طرف صهیونیستی جهت اعمال تمامی انواع فشار به طرف فلسطینی جهت دست یابی به بیشترین دستاوردها است.

ترامپ معتقد است که نقش آمریکا در مذاکرات میان طرف فلسطینی و صهیونیستی باید صرفا نقش تسهیل کننده باشد. او در این راستا، از ضعف و عدم کفایت سازمان ملل متحد انتقاد کرده و با هر گونه اقدام سازمان ملل متحد برای تحمیل راه حل به دو طرف مخالفت نموده است. او می گوید: «راه حل این مسئله باید از طریق مذاکرات طرف های مناقشه حاصل آید. من هر گونه راه حلی را که شورای امنیت سازمان ملل برای این موضوع ارائه کند، وتو می کنم.»

کلینتون نیز موضعی مشابه ترامپ اتخاذ کرد و در برابر اعضای ایپک تاکید کرد که برتری نظامی «اسرائیل»، تجهیز این رژیم به موشک و فناوری های کشف تونل های زیر زمینی و قاچاق سلاح و همچنین جلوگیری از حملات تروریستی (مقاومت) علیه این رژیم را تضمین می کند. وی همچنین گفت که در مقابل هر گونه راه حلی که از سوی سازمان ملل و شورای امنیت ارائه گردد، می ایستد. کلینتون با اشاره به رشد گرایش های «آنتی سمیتیستی» در اروپا گفت که در سال 2015، نامه ای را به انجمن روسای سازمان های یهودی نوشته و در آن بر مخالفت کامل خود با جنبش «بایکوت، لغو سرمایه گذاری و تحمیل مجازات های اقتصادی علیه اسرائیل» BDS campaign (Boycott, Divestment and Sanctions) اعلام داشته است.

در مورد موضع نامزدهای ریاست جمهوری آمریکا در قبال مقاومت فلسطین باید گفت که هر دو نامزد مخالف تفکر مقاومت مسلحانه هستند؛ ولی ترامپ تنفر بیشتری نسبت به مقاومت دارد از یک طرف به خاطر مسلحانه بودن آن و از طرف دیگر به خاطر اسلامی بودنش. او به طور مشخص جنبش های حماس و جهاد اسلامی را متهم می کند که کودکان فلسطینی را با «خشونت و تنفر نسبت به یهود» پرورش می دهند. او هر گونه تعامل با فلسطینیان را منوط به پذیرش «اسرائیل به عنوان کشور یهودی» از سوی صاحبان اصلی این سرزمین می داند. وی ضمن تشکیک نسبت به گرایش طرف فلسطینی به ایجاد صلح، می گوید که تمایل صهیونیست ها به صلح واضح تر است.

با وجود آنکه هم ترامپ و هم کلینتون تداوم روند شهرک سازی در اراضی اشغالی 67 را مردود می دانند و البته کلینتون نیز در سخنرانی خود در جمع اعضای ایپک نیز به این نکته اشاره داشت؛ ولی در سخنرانی 3301 کلمه ای کلینتون تنها از پانزده کلمه

آن، بوی انتقاد نسبت به سیاست نتانیاهو استشمام می شد. این نامزد زن انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در نشست ایپک صرفاً به ابراز این مطلب بسنده کرد که «هر کدام از طرفین باید از انجام اقداماتی که مانع بر سر راه صلح به شمار می رود، اجتناب کنند که از جمله این اقدامات، شهرک سازی است.»

ترامپ نیز موضعی مشابه کلینتون در قبال مسئله شهرک سازی دارد؛ ولی هیچ کدام از آنها یک برنامه عملی برای جلوگیری از تداوم این وضعیت ارائه نمی کنند. این دو با وجود مخالفت در زمینه توسعه شهرک های صهیونیست نشین موجود، به شهرک های احداث شده و اینکه سرنوشت آنها چه خواهد شد، اشاره ای نمی کنند. آنها همچنین نمی گویند که سرنوشت قدس - با آن تعریفی که صهیونیست ها از آن ارائه می دهند - در چارچوب بحث شهرک سازی قرار می گیرد یا نه، به ویژه آنکه ترامپ در جمع اعضای ایپک وعده داده است که سفارت آمریکا را به «پایتخت تاریخی اسرائیل» انتقال خواهد داد، وعده ای که روسای جمهور پیشین ایالات متحده هیچ وقت جامه عمل به آن نپوشاندند.

هر دو نامزد انتخابات ریاست جمهوری آمریکا موافقت خود را با راهکار تشکیل دو کشور اعلام داشته اند؛ ولی جزئیات اجرای این راه حل و بنیان های آن همچنان نامشخص است که این موضوع نشان از تمایل ترامپ و کلینتون برای واگذاری تعیین جزئیات تحقق این راه حل از طریق مذاکره میان دو طرف دارد. ذکر این نکته کافی است که کلینتون در سال 2005 و در هنگام عضویت در مجلس سنای آمریکا احداث دیوار حائل را تایید کرد و در سال 2006 و در جریان جنگی که میان رژیم صهیونیستی و حزب الله روی داد، به مصوبه کنگره در خصوص ممنوعیت ارسال بمب های خوشه ای به کشورهای (همچون رژیم صهیونیستی) که از آنها علیه غیر نظامیان استفاده می کنند، رای منفی داد. او همچنین محاصره نوار غزه توسط رژیم مذکور را قابل قبول و درک خواند.

در برخی سایت ها به پیشنهادی اشاره شده است که ترامپ در کنفرانسی مطبوعات سال 2014 خود در منهن آمریکا اعلام داشته و خواستار انتقال فلسطینیان به پورتوریکو و تامین مسکن و کار برای آنها شده است. سایت ها می گویند که او در این کنفرانس مطبوعاتی ابراز داشته است که مساحت پورتوریکو بیش از مساحت هزار مایل مربعی کرانه باختری و نوار غزه می باشد. با وجود اینکه سایت ها چنین خبری را اعلام کرده اند؛ ولی دقت در این اظهارات ابهامات فراوانی را در مورد صحت این حرف ها بر می انگیزد که مهم ترین شان، این است که فکر انتقال فلسطینیان به پورتوریکو برگرفته از کاریکاتورهایی می باشد که درباره شخصیت ترامپ کشیده شده است.

3 - آینده مسئله فلسطین در سایه حضور رئیس جمهور جدید

توجه به اینکه نظام سیاسی در آمریکا اختیارات گسترده ای را به رئیس جمهور می دهد، موضوعی مهم است؛ ولی معنایش این نیست که هیچ گونه محدودیت قانونی (به ویژه قانون اساسی) یا محدودیت شرایطی (به ویژه وجود گروه های صاحب منافع، رسانه ها و رویکردهای افکار عمومی) در برابر او وجود ندارد. بماند که سیاست خارجی در میان توده مردم از اهمیت کمتری در مقایسه با سیاست های داخلی همچون بیکاری، بیمه و نرخ مالیات برخوردار است.

با توجه به آنچه گذشت، می توان گفت که انتقال کرسی قدرت به هر کدام از نامزدهای انتخاباتی شاید پیام های زیر را با خود به دنبال داشته باشد:

1 - تفاوت سیاست های نامزدها در قبال مسئله فلسطین بسیار اندک است و شاید بیشترین تفاوت در مسئله شهرک سازی نمایان شود.

2 - با توجه به ساختار سیاست آمریکا و برنامه های انتخاباتی هر کدام از نامزدها، بعید است که نامزدها اقدامی را برای اعمال فشار به رژیم صهیونیستی جهت توقف شهرک سازی، جلوگیری از الحاق قدس به سرزمین های تحت حاکمیت رژیم صهیونیستی، تعیین مرزها و نیز تعامل مستقیم با جنبش های مقاومت انجام دهند.

3 - شاید کلینتون برای فعال سازی طرح صلح اعراب اقدام کند؛ ولی او نیز خواهد کوشید تا برخی از بندهای طرح مذکور را به شکلی تغییر دهد که بیشتر مورد پذیرش صهیونیست ها قرار گیرد. این احتمال نیز وجود دارد که هیلاری کلینتون برای اعمال فشار بیشتر به برخی کشورهای عربی - به ویژه کشورهای عضو سازمان همکاری های خلیج فارس - جهت عادی سازی گسترده تر روابط با تل آویو وارد عمل شود.

4 - شاید ترامپ در صورت پیروزی، فاکتورهای مالی سنگین تری را پیش روی کشورهای حاشیه خلیج فارس - برای پرداخت - بگذارد و شاید هم آنها را به سمت کم کردن از میزان کمک های داده شده به تشکیلات خودگردان سوق دهد تا به این ترتیب، نهاد فلسطینی مذکور به سمت دادن امتیازات بیشتر به طرف صهیونیستی حرکت کند. او همچنین در صورت موفقیت بر تدابیر مربوط به اعمال فشارهای مالی بر جنبش های مقاومت در نوار غزه خواهد افزود.

5 - در صورت پیروزی هر کدام از دو نامزد ریاست جمهوری آمریکا، شورای امنیت هیچ تاثیر شایان توجهی در پروژه های سازش نخواهد داشت که این به معنای تنها گذاشتن طرف فلسطینی در جبهه نبرد با موازنه قدرت موجود است، موازنه ای که کاملاً به نفع اشغالگران قدس است.

6 - پیامد نابسامانی اوضاع جهان عرب که مورد توجه هر کدام از نامزدهای پیروز خواهد بود، متوجه مسئله فلسطین خواهد بود.

4 - نتایج و توصیه ها

آرمان فلسطین شرایط بسیار دشواری را تجربه می کند که دلیل آن نیز کاهش توجه کشورهای عربی و جامعه بین الملل به

مسئله فلسطین، فروپاشی به اصطلاح نظام منطقه ای عرب ها، مشکلات فرا روی جنبش های مقاومت در رابطه با ایران (به عنوان عامل حامی این جنبش ها)، فشارهای مستمر بر گروه های اسلام سیاسی در جهان عرب و همچنین کاهش قیمت نفت و بازتاب آن بر احتمال حمایت های مادی اعراب از فلسطین می باشد. جنبش های مقاومت در این شرایط باید خود را برای مقابله با دشوارترین و پیچیده ترین اوضاع در تاریخ معاصر فلسطین آماده کنند.

در سایه شرایط کنونی، شاید توجه به نکات زیر سودمند باشد:

1 - تداوم شکاف داخلی یک نقیصه بزرگ است؛ ولی احتمال پر شدن این شکاف نیز بسیار ضعیف به نظر می رسد که البته دلیل آن نیز تفاوت دیدگاه سیاسی دو طرف (فتح و حماس) است.

2 - شاید برای جنبش های مقاومت بهتر آن باشد که در عرصه رسانه ای و سیاسی، از اتخاذ هر گونه موضع در خصوص مسائل داخلی کشورهای عربی در شرایط کنونی اجتناب ورزند و باید این امر، در رسانه های وابسته به این جنبش ها نیز مورد توجه قرار گیرد. جنبش های مقاومت باید به طور مشخص از به کارگیری برخی مفاهیم و بیان اظهارات تلویحی که نشانگر جانبداری از یک طرف خاص در کشورهای عربی و به طور خاص در مصر و سوریه است، دوری نمایند.

3 - بازگرداندن موضوع فلسطین به صدر مسائل سیاسی تنها از راهگذار عملیات های مقاومت امکان پذیر است و علی رغم سختی شرایط موجود، تشدید انتفاضه یکی از بارزترین ابزارهای این عرصه باشد.

4 - آمادگی برای رویارویی با فشارهای مالی بیشتر از سوی کشورهای عربی و نیز فشارهای سیاسی افزون تر برای قطع کردن هر گونه ارتباط میان جنبش های مبارز و گروه های عربی، اسلامی و بین المللی حامی این جنبش ها: این فشارها در مراحل آتی - چه با پیروزی کلینتون و چه با موفقیت ترامپ - بیشتر خواهد شد.

5 - شاید ایالات متحده و رژیم صهیونیستی در مرحله آتی گروه های مقاومت را در لیست سازمان های تروریستی قرار دهند و موضوع را دوباره در شورای امنیت مطرح کنند. این مسئله باید مورد توجه قرار گیرد و از طریق هماهنگی با روسیه و چین و همکاری با قدرت های عربی، اسلامی و بین المللی جلوی این امر گرفته شود.

6 - باید به فکر ترسیم یک پروژه برای توقف مهاجرت فلسطینیان ساکن کرانه باختری از روستاها به شهر بود. باید به چگونگی تشویق مهاجرت معکوس از شهرها به روستاها اندیشید. این پدیده (مهاجرت از روستا به شهر) شرایط را برای شهرک سازی در روستاهای فلسطینی فراهم می کند.